

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اسفند ماه ۱۳۹۴ مارس ۲۰۱۶

شماره ۱۱۶

toufan@toufan.org

www.toufan.org

این مضحکه را تحریم کنیم!

خیمه شب بازی امروز ادامه خیمه شب بازی دیروز است



سخنی کوتاه در مورد نتایج انتخابات

تسلیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها و پیامد آن در رابطه با طبقه کارگر

حکم دادگاه اسلامی علیه رضا شهابی به یکسال زندان تعزیری را شدیداً محکوم میکنیم



بیانیه تشکل های کارگری در رابطه با دستمزد سال ۹۵

مافیائی اسلامی و اوضاع ناهنجار کنونی

سخنی کوتاه در مورد بحران آب در ایران

انقلاب بهمن چه می آموزد؟

مصاحبه فیسبوک توفان انگلیسی با

مسئول روابط بین المللی حزب کارایران (توفان) در مورد اوضاع سوریه

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سوال

این مضحکه را تحریم کنیم!

خیمه شب بازی امروز ادامه خیمه شب بازی دیروز است

"انتخابات" دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، همزمان با انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان، روز جمعه، هفتم اسفند، برگزار می‌شود. از همان بدو تاسیس جمهوری جهل و جنایت اسلامی این خیمه شب بازی وبی احترامی به رای و اندیشه مردم وجود داشته و ادامه دارد. تکرار این ریاکاری حکومت مستبد حاکم به صورت مضحکه در آمده و موجبات تمسخر مردم است.

برخی از نیروها و محافل بظواهر اپوزیسیون در داخل و خارج ایران از مردم دعوت می‌کنند که در این خیمه شب بازی مسخره، میان بد و بدتر یکی را برگزینند تا اوضاع بدتر از این نشود! این دورباطل انتخاب میان بد و بدتر (بخوانید بدتر و بدترین!) هیچوقت پایان نخواهد یافت و تا جمهوری اسلامی سرنگون نشود، ما همواره با جناحهای گوناگون حاکمیت روبرو هستیم که تضادها در میانشان به علت مخالفت مردم با این جناحها و همچنین به علت افزایش انفرادشان در بین مردم روز بروز افزایش بیشتری می‌یابد. تا موقعیکه اپوزیسیون واقعا مستقل و انقلابی ایران نتواند به عنوان نیرویی متشکل و قابل محاسبه در مقابل این حضرات قرار گیرد و خود را به عنوان آلترناتیو مطرح کند، وضعیت به صورت کنونی باقی می‌ماند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از ضعف اپوزیسیون انقلابی و غیر خود فروخته ایران استفاده می‌کند و همچنان برخوردار سوار است.

فراخواندن مردم به شرکت در مضحکه انتخابات، دادن آموزش غلط به آنها و تائید وضعیت سردرگمی و چرخ زدن میان جناحهای ارتجاعی و ضد مردمی هیات حاکمه است.

بنظر حزب ما، در شرایطی که سیاست راهبردی مرحله ای نیروهای انقلابی، سرنگونی این رژیم فاسد و رانت خوار است، تا موانع راه رشد ایران دموکراتیک را، در همه زمینه ها از میان بردارند و مردم را در تعیین سرنوشتشان دخالت دهند، در شرایطی که هر نیروی انقلابی باید این قطبنمای حرکت را در دست داشته باشد، تا به دامن رفرمیسم و همکاری با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی درنگند، باید برای وضعیت کنونی و رهبری مبارزه مردم رهنمودهای روشن، مشخص و راه گشا طرح نمود که در تعمیق خود، راه را برای سرنگونی این رژیم هموار سازد. بنظر حزب ما این راه حل‌های عملی در شرایط کنونی، فراخواندن مردم به عدم شرکت در مضحکه انتخابات مجلس که نمایندگانش مورد تائید و دستچین شده ولی فقیه و شورای نگهبان هستند، فراخوانی به تلاش فعال برای تحریم خیمه شب بازی انتخابات خواهد بود.

مردم ایران باید خواست فوری آزادی فعالین کارگری و عموم زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی، پذیرش تساوی حقوق زن و مرد، رفع سانسور، آزادی فعالیت همه اتحادیه های کارگری و تشکلهای صنفی و دموکراتیک وجدائی کامل دین از دولت را طلب کنند. این خواستههای منطقی و مورد تائید مردم که ضد تصمیمات استبدادی فردی ولی فقیه است و زمینه گسترده مادی در جامعه ایران دارد، رژیم جمهوری اسلامی ولائی را در تنگنا قرار می‌دهد. خواست برسمیت شناختن حقوق و آزادیهای دموکراتیک به منزله پیش شرط هر انتخابات آزاد، است و رژیم مستبد جمهوری اسلامی هرگز به آن تن نمی‌دهد و نخواهد داد. تن دادن به یک انتخابات آزاد، مرگ فقهای حاکم است.

برای نیروهای انقلابی و ترقی خواه در شرایط کنونی کشور ما، راهی جز یک تحریم فعال انتخابات باقی نمی‌ماند. رژیم از فرجام یک تحریم فعال و عدم شرکت مردم بشدت می‌هراسد و رژیم را به تنگنا می‌برد، زمینه تبلیغاتی را برای نیروهای انقلابی و ترقی خواه می‌گشاید. باین جهت ما اعلام می‌کنیم که اجرای هر انتخاباتی بدون تحقق این مقدمات، غیر دموکراتیک و تقلبی و ارتجاعی است و شرکت در آن مشروعیت بخشیدن به رژیمی است که برای بقاء منحوسش حاضر است به امپریالیستها بیشترین امتیازهای اقتصادی را دهد و برای خوش خدمتی هر روز بر تشدید سرکوب کارگران و زحمتکشان بیافزاید.

شرط هر انتخابات آزاد وجود آزادی های دموکراتیک و برسمیت شناختن حقوق مردم است. در کشوری که بسیاری از فعالین کارگری و روشنفکران دگراندیش جامعه در زندان بسر می‌برند و کلا زندانی سیاسی وجود داشته باشد نمی‌تواند انتخابات آزاد صورت گیرد. به این جهت ما بر این باوریم که باید خیمه شب بازی انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی را که ادامه تجربه گذشته است و ما تغییری در آن نمی‌بینیم، فعالانه تحریم کرد، زیرا این انتخابات نیز مانند همه انتخابات گذشته که در تحت چنین شرایطی برگزار شدند، تقلبی و غیر دموکراتیک و ارتجاعی بوده و قابل دفاع نیست. این سامانه ننگین را باید بر انداخت تا نخستین شرط برگزاری انتخابات دموکراتیک که مردم بتوانند آزادانه بر سرنوشت خویش حاکم شوند، فراهم آید.

خیمه شب بازی انتخابات را فعالانه تحریم کنیم!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، بدست مردم ایران!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهانی بشریت!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه ۴ اسفند ۱۳۹۴

www.toufan.org

سخنی کوتاه در مورد نتایج انتخابات تقلبی

وزارت کشور ایران روز شنبه میزان مشارکت در انتخابات مجلس و خبرگان را حدوداً ۶۰ درصد اعلام کرد و گزارش داد که انتخابات روز جمعه در "امنیت کامل" برگزار گردید.

طبق گزارشات رسمی قریب به چهل درصد از واجدین شرایط در این انتخابات شرکت نکردند و آن را در اشکال مختلف تحریم نمودند. ابعاد تحریم با توجه به تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات و بگیر و ببندهای امنیتی و همینطور تشویق رسانه های امپریالیستی برای شرکت وسیع مردم در انتخابات و ریختن آرا به جیب "اصلاح طلبان" پرو غرب بسیار گسترده بود. بخش قابل توجه ای از مردم میهن ما جسورانه این نمایش مسخره را تحریم کردند. تازه ترین نتایج اعلام شده از انتخابات مجلس خبرگان در استان تهران نشان می دهد که محمد یزدی، رئیس فعلی این مجلس از راهیابی به دور بعدی بازمانده است. آیت الله تقی مصباح یزدی، منفورترین روحانی عضو مجلس خبرگان پدر معنوی "جبهه پایداری" نیز در مجلس خبرگان دوره پنجم حضور نخواهد داشت.

ستاد انتخابات کشور اعلام کرده است که پس از شمارش ۵۹۴۶ صندوق در استان تهران، ۱۵ نفر از نامزدهای فهرست معروف به «امید» وارد مجلس خبرگان شده اند. در نتایج اعلام شده از ۱۶ نفر اول لیست، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان در رده پانزدهم قرار گرفته است.

سه نفر اول نتایج اعلام شده مجلس خبرگان را اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد آقامامی (معروف به امامی کاشانی) و حسن روحانی تشکیل می دهند.

عالیجناب خاکستری / عالیجناب سرخ پوش ، علی اکبر هاشمی رفسنجانی مرد شماره ۱ صندوقهای تهران، مرد شماره ۱ قتل های زنجیره ای، مرد شماره ۱ دزدی اموال مردم ایران و عامل سرکوب آزادیخواهان از همان اوان انقلاب بعنوان "محبوب ترین نماینده مردم" انتخاب گردید!! میر حسن موسوی و همسرش زهرا رهنورد نیز به هاشمی رفسنجانی و شرکاء رای دادند و از نتایج این مضحکه ابراز رضایت نمودند و از قضا شرایط رفع حصر خانگی کروی و موسوی رهنورد نیز در شرف تکوین است.

با توجه به سیاست "نرمش قهرمانانه" و عقب نشینی خفتبار هسته ای و بیماری سید علی خامنه ای و موضوع جانیشینی او ، اکنون بیش از هر زمان نیاز سران رژیم به یک وحدت جمعی در قالب سازش و مدارا با یکدیگر و اجرای تغییرات نازک اجتماعی برای حفظ کل نظام سرمایه داری اسلامی امری حیاتی است. خروج مصباح یزدی و برخی دیگر از عناصر منفور رژیم از مجلس خبرگان ویا مجلس شورای اسلامی بسود کل حاکمیت اسلامی است و این امر مردم را تا مدتی امیدوار به تغییراتی از بالا میکند که هاشمی رفسنجانی پرچمدار آن است! روشن نیست علی اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی این حامیان سرسخت سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی و ضدکارگری این بار چه تاج گلی بر سر بخشی از مردم فریب خورده ایران که به آنها پناه برده اند ، خواهند زد؟ از انتخابات مهندسی شده سید علی خامنه ای که حرف اول و آخر سیاسی را بعنوان رهبر میزند و از ماشین سرکوب سپاه و بسیج و صدها کمیته ضد انقلابی و ارتجاعی برخوردار است چه انتظار تحول مثبت بسود ملت می رود؟ زمامداران چماق بدست حاکم با اشاره به لولوی دشمن خارجی و فشار فزاینده بر مردم ، طبق معمول به مرگ گرفتند تا "امت همیشه در صحنه" به تب راضی شود. "امتی" که در زیر بیرق ورشکسته "اصلاح طلبان" ناظر بر ادامه فقر و فلاکت خود خواهد بود. بقول مارک تواین نویسنده سرشناس آمریکائی که می گفت دولتها اگر مطمئن بودند در انتخابات آزاد انتخاب نمی شوند انتخاباتی برقرار نمی کردند. پس انتخابات آزاد در جایی صورت می گیرد که خیال حاکمیت از نتایج آن از قبل آسوده باشد. در ایران خیال حاکمیت آسوده نیست زیرا مردم از این رژیم سرمایه داری نفرت دارند و امکان ندارد در یک انتخابات آزاد این خود فروخته های دزد را انتخاب کنند این است که در ایران انتخابات تقلبی و سرنزد شده است. فقط خودی های از قبل تعیین شده به داخل مجلسی فرمایشی وارد می شوند که هرگز جرئت بازخواست از دولت و رهبر را ندارند. آنها جرات ندارند در مورد "برجام" بحث کنند و نظر دهند. مجلس ایران نقش مولفه کنترل کننده از جانب مردم را ندارد. عامل فریب است. نتیجه انتخابات تا این تاریخ نشان میدهد که همه جناحهای رژیم از رهبر گرفته تا آنها که در حصر خانگی اند و اصولگرایان و اصلاح طلبان رنگارنگ و از اینکه همه چیز برفوق مراد پیش رفت و این نمایش به نفع کل نظام خاتمه یافت مسرورند و برای همه شرکت کنندگان در این مضحکه دعای خیر دارند.

راه رستگاری مردم ایران راه شکل و آگاهی و سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم است تا بتوان بر اینهمه سرکوب و ریاکاری ، دزدی و فساد و فقر و بیکاری پایان داد. جز این مباد!

تسلیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها و پیامد آن در رابطه با طبقه کارگر

تحریمهای اقتصادی و بانکی و نفتی امپریالیستها علیه ایران با توجه به ساختار اقتصادی ضد تولیدی و ضد خودکفائی و عمیقا وابسته به واردات و دلالتی جمهوری اسلامی عرصه را چنان بر رژیم تنگ کرد که ولی فقیه را برای حفظ و تداوم حاکمیت ننگینش به "نرمش قهرمانانه" به قول خودش و در واقع به تسلیم خائفانه به امپریالیستها و پذیرش همه شرایط تحمیلی آنها واداشت.

حاکمیت اسلامی نام این خیانت ملی خود را پیروزی دیپلماسی و توافق "برد برد" گذاشت و نئولیبرالیستهای درون و پیرامون و خارج از حاکمیت رفع تحریمها و پرداخت پولهای بلوکه شده و باز شدن درهای کشور به روی انحصارات امپریالیستی را نوید بخش گشایش سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و رفع مشکلات در این عرصه ها تبلیغ کردند؛ گویا تا قبل از تحریمهای نفتی و بانکی، ملت ایران در رفاه و آسایش و آزادی غوطه ور بوده است و یا در زمان حاکمیت وابسته پهلوی به علت باز بودن درهای کشور به روی انحصارات امپریالیستی، هیچگونه مشکل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی وجود نداشته است و ۹۸ درصد مردم که در انقلاب ۵۷ سهم بودند آنچنانکه سلطنت طلبان تبلیغ می کنند از سر سیری و آزادی و رفاه فوق العاده بوده است!!! واقعبیت این است که احیاء وضعیت ۳۷ سال قبل به شکل سلطنت اسلامی و پذیرش رسمی نوکری امپریالیستها در قالب سیاست "نرمش قهرمانانه" و "پیروزی دیپلماسی برجنگ!" در حال شکل گیری است.

درک این نکته که سرمایه خارجی و انحصارات امپریالیستی برای کسب سود هر چه بیشتر در کشورهای نیمه مستعمره و عقب نگه داشته شده و در حال رشد، سرمایه گذاری می کنند، احتیاج به شعور و تیزهوشی فوق العاده ندارد و به مصداق گربه محض رضای خدا موش نمی گیرد، انحصارات امپریالیستی هم به دنبال نرخ سود حداکثر و بیشتر از سودی هستند که از طریق استثمار کارگران هند و پاکستان و بنگلادش و فیلیپین و کامبوج و برزیل و مکزیک و بولیوی می برند. بنابراین لازمه سرمایه گذاری خارجی فراهم کردن شرایطی برای نیروی کار، مشابه، و حتی بدتر از کارگران کشورهای نامبرده است.

ممانعت از فعالیت قانونی و آزاد تشکلهای مستقل کارگری و دستگیری و زندان و شکنجه و قتل فعالین آنها، تبدیل قانون کار به شیر بی یال و دم و اشکم، ممانعت از قراردادهای دستجمعی، باز گذاشتن دست کارفرماها برای اخراج کارگران و عدم استخدام رسمی و گسترش قراردادهای موقت و سفید امضاء و خارج کردن بیش از ۹۰ درصد کارگران از شمول قانون کار و تاخیر در پرداخت به موقع دستمزدهای زیر خط فقر، همه و همه به دلیل فراهم کردن آن شرایط لازمی است که بتوان حداکثر نرخ سود لازم را برای انحصارات امپریالیستی و سرمایه های خارجی و شرکای داخلیشان فراهم کرد.

تقویت شدن جبهه استثمارگران داخلی با ورود چپاولگران خارجی ثمره ای جز تشدید استثمار و بی حقوقی بیشتر و سرکوب بیشتر برای کارگران و زحمتکشان شهر و روستا ندارد.

انتظار تعیین حداقل دستمزدی متناسب با هزینه های یک خانواده چهار نفره برای سال ۹۵ آن هم از دولتی خائن و وطن فروش و ضد کارگر و کارگذار سرمایه داران داخلی و خارجی بدون مبارزه ای متشکل و متحد و سراسری انتظار بی جایی است. تنها راه کسب حقوق آنی و آتی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان اتحاد و تشکیلات است. تنها از این طریق است که میتوان از خواستها و حقوق خود دفاع کرد و آن را به استثمارگران تحمیل نمود.

****_

حکم دادگاه اسلامی علیه رضا شهابی به یکسال زندان تعزیری را شدیداً محکوم میکنیم

درشرایطی که فعالین کارگری در زندان بسر می برند وجرمشان تلاش برای تاسیس سازمان صنفی کارگری است، شرکت در "انتخابات" مجلس به معنی تأیید سرکوب کارگران و نفی موجودیت طبقه کارگر بوده وخواهد بود.حسن روحانی رئیس جمهور اسلامی صبح روز هفتم اسفند هنگام رای دادن درمقابل خبرنگاران با بیشرمی ووقاحت تمام چنین گفت:

«مجلسی با هر ترکیبی برای ما محترم است. او افزود: رای امروز مردم یک سرمایه گذاری پرسود است. روحانی پس از انداختن رای خود در صندوق آرا در محل ستاد انتخابات کشور در جمع خبرنگاران اظهار کرد: می توان در پای صندوق های رای بود و ۴ سال و هشت سال از ثمره آن استفاده کرد. کدام تجارت پرسودی است که با یک ساعت تلاش، ۴ یا هشت سال از آثارش بهره برد. وی در ادامه افزود: امنیت ملی، آرامش، عزت سیاسی کشور، امید به آینده و رونق اقتصادی از ثمره های رای امروز است.»

البته وقتی گفته میشود که جناحهای رژیم همگی ارتجاعی و سروته یک کرباسند به قیای عده ای رفرمیست برمی خورد و فوراً از «اختلافات جدی درونی!» که از منظر ما بر سر غارت و چپاول در جریان است و نه برای دموکراسی و حقوق دموکراتیک و سالها ادامه داشته و خواهد داشت سخن میگویند. جناحهای رژیم بر سر حفظ نظام کپک زده اسلامی متفق بر ضد کارگران و زحمتکش و عموم مردم عمل میکنند و کوچک ترین عقب نشینی در مقابل کارگران را مرگ خویش می دانند. محکومیت رضا شهابی در بوجوه انتخابات نمایشی چراغ سبزی به سرمایه داران نولیبرال داخل و خارج و امپریالیستهای غرب است و رژیم می خواهد نشان دهد که مجلس اسلامی آینده نیز همانند گذشته یک مجلس ضد کارگری و نولیبرال و در سرکوب کارگران و ممانعت از تشکیل سازمانهای حرفه ای طبقه کارگر و زحمتکش قاطع عمل میکند و امنیت مطلق سرمایه را تامین خواهد نمود. بقول حسن روحانی شرکت بخشی از مردم در انتخابات فرمایشی و رای دادن یک سرمایه گذاری پرسود برای نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی است و بس و هیچ نفعی به حال محرومان جامعه ندارد!

کمیته دفاع از رضا شهابی نیز طی اعلامیه ای حکم دادگاه اسلامی علیه رضا شهابی را محکوم کرده است. در بخشی از این اعلامیه چنین آمده است:

"در حالی که حکم ۶ سال زندان رضا شهابی رو به اتمام است سیستم قضایی و امنیتی وی را به صدور احکام جدید تهدید نموده و عنوان کرده بود که اگر وی به هرگونه فعالیت ادامه دهد، سالها باید در زندان بماند؛ رضا شهابی که اکنون بنابر فشار نیروهای امنیتی دور از همسر و فرزندان در شهرستان زندگی میکند، همچنان از درد در ناحیه کمر و گردن رنج میبرد و با این تبعید عملاً امکان هرگونه تلاش برای کسب معاش خانواده اش را از دست داده است. کمیته دفاع از رضا شهابی صدور حکم یکسال جدید رضا، تبعید و تهدید وی را به شدت محکوم و خواهان لغو فوری این حکم و توقف اینگونه برخوردهای ضدکارگری است."

مبارزه و دفاع از حقوق کارگران و بطور مشخص فعالین کارگری زندانی نظیر رضا شهابی و سایر زندانیان سیاسی وظیفه تعطیل نشدنی همه مبارزین راه آزادی و دموکراسی است و حزب ما نیز با تمام توش و توان خود در مقابل رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی خواهد ایستاد و از هیچ کوششی در راه آزادی همه فعالین کارگری در بند و سایر زندانیان سیاسی دریغ نخواهد کرد. در زیر اعلامیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در رابطه با رضا شهابی را که در تاریخ ۹۴/۱۲/۶ انتشار یافته است را می خوانید:

رضا شهابی در آذر ماه سال ۹۳ ضمن اینکه در مرخصی پزشکی به سر می برد به دادرسی اوین احضار و به خاطر اعتراضات زندانیان بند ۳۵۰ اوین در ۲۸ فروردین ما سال ۹۳ مورد بازجویی قرار گرفت و پرونده ای در این رابطه تشکیل و به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارسال شد. ایشان در اردیبهشت ماه سال ۹۴ محاکمه و به یک سال حبس تعزیری محکوم گردید. این حکم در شعبه ۲۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب در روز ۲۰ آذر ماه سال ۹۴ تایید و برای اجرای حکم به اجرای احکام زندان اوین ارسال گردید.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکا از سال ۸۳ به عضویت هیات موسس سندیکای کارگران شرکت واحد در آمد و فعالیت سندیکایی خود را شروع کرد و در روز ۱۳ خرداد ماه سال ۸۴ در انتخابات مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد با رای کارگران به عنوان نماینده کارگران شرکت به عضویت هیئت مدیره سندیکا در آمد و به همراه دیگر اعضای سندیکا برای پیگیری مطالبات کارگران شرکت واحد تلاش کرد و بارها توسط عوامل امنیتی و اطلاعاتی و حراست شرکت واحد تهدید و دستگیر شد. شهابی در اعتصاب رانندگان شرکت واحد در سال ۸۴ در منطقه ۱۰ اتوبوسرانی دستگیر و بعد از آزادی از محل کار اخراج شد و در طول ۴ سال اخراج ضمن پیگیری بازگشت بکار خود و اعضای اخراجی همچنان به فعالیت سندیکای خود ادامه داد. ایشان با وکالت نامه ی محضری از رانندگان شرکت واحد که به بهانه های واهی اخراج می شدند در هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار دفاع می کرد. شهابی با پیگیریهای مستمر به همراه دیگر اعضای اخراجی سندیکا از دیوان عدالت اداری رای بازگشت بکار گرفت و در تیرماه سال ۸۸ به محل بازگشت و همچنان به فعالیت سندیکایی خود ادامه داد. مدیریت وقت شرکت واحد برای متوقف کردن فعالیت های رضا شهابی دائماً مناطق و خطوط ایشان را جابجا می کرد و با پرونده سازی از جمله ادعای عدم انتقال اتوبوس بعد از پایان کار به توقفگاه با هماهنگی مدیریت وقت منطقه ۱۰ شرکت واحد و حراست و مدیریت مرکز قصد اخراج وی را داشتند. شهابی بدلیل فعالیت سندیکایی و ارتباط با رانندگان و گفتگو و دعوت آنها به سندیکا و پیگیری مطالبات کارگران مورد غضب مدیریت و حراست شرکت واحد قرار گرفت و با پرونده سازی در روز ۲۲ خرداد ۸۹ توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در حین کار با اتوبوس شرکت واحد در حضور بیش از ۳۰ تن از مسافران با ضرب و شتم دستگیر و بعد از تفتیش منزل ایشان، به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و ۱۹ ماه در سلول انفرادی با قرار بازداشت موقت زیر سخت ترین فشارها زندانی شد. با جود اینکه شعبه ۲ دادرسی اوین ۶۰ میلیون تومان وثیقه برای آزادی وی تعیین کرده بود و خانواده وثیقه را تودیع کرده بودند اما با فشار نیروهای اطلاعاتی شهابی آزاد نشد. شهابی در این مدت از ناحیه مهره های گردن و کمر و سمت چپ بدن دچار آسیب شدید و بی حسی شد و در نهایت به دلیل عدم رسیدگی به وضعیت خودش دست به اعتصاب غذا زد و بعد از ۲۲ روز اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شد و ۳ مردادماه سال ۹۱ از ناحیه مهره های گردن تحت عمل جراحی قرار گرفت و بعد از عمل به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد که بعد از چند روز محل جراحی عفونت

کرد. رضا شهبابی در اسفند ماه سال ۹۰ از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اتهام اجتماع و تبانی، و اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام و تشکیل دسته و گروه بعد از ۲۲ ماه بلاتکلیفی و بازداشت موقت به شش سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی و اجتماعی و هفت میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گردید و این رای ۱۳ تیر ماه ۹۱ در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر قطعی شد.

رضا شهبابی به دلیل شرایط سخت و غیر قانونی زندان و عدم رسیدگی پزشکی در چند نوبت ۳۰،۲۰،۷ روزه و آخرین آن به علت تبعید غیر قانونی به زندان رجایی شهر در خرداد ماه سال ۹۴ که به مدت ۵۲ روز طول کشید دست به اعتصاب غذا زد. ایشان بعد از ۵۲ روز اعتصاب غذا و به خاطر وخامت وضعیت جسمی و افت فشارخون و ضعف شدید به بیمارستان هزار تخت خوابی تهران منتقل شد و پس از تثبیت شرایط عمومی جسمی اش در روز ۱۱ شهریور ماه ۹۳ از ناحیه کمر تحت عمل جراحی قرار گرفت. رضا شهبابی با وجود اینکه بدلیل دو عمل سنگین از ناحیه گردن و کمر از مهر ماه در مرخصی پزشکی بسر می برد، روز ۱۸ بهمن ماه ۹۴ به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار و بنا بر آنچه بازجوی وی ادعا کرده به دلیل مراجعه و اعتراض در وزارت کار و شهرداری و دریافت حق عضویت برای سندیکا از رانندگان و پخش پیک سندیکا و تحریک کارگران، به اتهام اخلاص در نظم عمومی و تشویش اذهان عمومی، سه ساعت مورد بازجویی قرار گرفت و پرونده ی جدیدی برای ایشان تشکیل شد. رضا شهبابی در حال حاضر به دلیل تشخیص پزشکی قانونی کشور در مرخصی پزشکی به سر می برد و در حال حاضر به دلیل تحت فشار بودن و تهدیدها به اجبار در شهرستان و دور از همسر و فرزندان زندگی می کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان توقف اذیت و آزار رضا شهبابی و آزادی فوری و بی قید و شرط او، بازگشت به کار و پرداخت خسارت به رضا شهبابی بابت صدمات شدید جسمی در دوران حبس می باشد.

بیانیه شکل های کارگری در رابطه با دستمزد سال ۹۵

اعلامیه مشترک زیر درمورد حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۵ در ۲۱ بهمن ماه توسط هفت تشکل کارگری انتشار یافته و میزان حداقل دستمزد با اجرای بند ۲ ماده ی ۴۱ قانون کار را (۳۵۰۰۰۰۰ تومان) تعیین کرده اند. سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد و حومه نیز طبق اعلامیه ای حداقل دستمزد را همین اندازه تعیین کرده است. حزب ما ضمن پشتیبانی از خواست برحق کارگران مبادرت به انتشار این اعلامیه میکند.

"کارگران ایران در سال ۹۴ مانند سالیان گذشته زندگی سخت و پر مشقتی را همراه با فقر و فلاکتی جانکاه تجربه کردند. سالی که بر خلاف وعده های سرمایه داران و دولت "تدبیر و امید"، مبنی بر بهبود وضعیت معیشتی کارگران و افزایش قدرت خرید آنان، سال مواجهه کارگران با کاهش شدید قدرت خرید، افزایش هرچه بیش تر فاصله حداقل دستمزد با خط فقر، آزاد سازی گسترده قیمت ها و تحمیل مالیات بر ارزش افزوده ی ۹ درصدی بر کالاها و هزاران درد و مصیبت ناشی از پایین نگه داشتن دستمزدها بود.

این دولت نیز که مانند دولت های گذشته وظیفه ای جز دفاع از منافع سرمایه داران در همه ی اشکال و صور آن نداشته است تا به امروز غیر از دست اندازی هرچه بیش تر به سطح معیشت کارگران و ایراد توجیحات و بهانه هایی چون "تحریم" و وجود "بحران های حاد اقتصادی"، چیز دیگری برای عرضه به کارگران در چنته ندارد. اگر چه این گونه توجیحات و بهانه ها هیچ گاه برای ما کارگران پذیرفتنی نبوده و از اساس فاقد ارزش و اعتبار است. اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران و وضعیت نامناسب و اسف بار بیمه های تأمین اجتماعی آنان؛ تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضای کار به طیف گسترده ای از کارگران که بر اساس آخرین آمار رسمی حدود ۹۳ درصد آنان را شامل می شود و گسترش بیش از پیش شرکت های واسطه ای و بیمانکاری، خود از نمونه های دیگر این ستم و استثمار طبقاتی است.

واقعیت این است که ما کارگران دیگر نمی توانیم چنین وضعیتی را تحمل کنیم و نمی توانیم بپذیریم که صاحبان سرمایه با پایین نگه داشتن سطح عمومی دستمزدها و تحمیل انواع ستم و بی حقوقی، طبقه کارگر را بیش از پیش به سوی خانه خرابی و دربه دری سوق داده، از هستی ساقط نمایند. اما حالا که تحریم ها برداشته شده و دیگر امکان توسل به بهانه ی آن از بین رفته، مقامات دولتی چه خود به طور مستقیم و چه با فعال کردن عوامل دست نشانده در نهادهای ضدکارگری (خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و...) باز هم در تقلا ی کسب فرجه برای عدم پاسخگویی از طریق طرح توجیحات و بهانه های جدید هستند. حمایت از کارفرمایان و بسترسازی امن برای جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای خروج اقتصاد از بحران در دوره لغو تحریم ها یا انداختن تقصیر وجود فاصله بین حداقل دستمزد با خط فقر به گردن دولت های پیشین، از دلایل و توجیحات امسال برای پایین نگه داشتن دستمزدها هستند. بنا بر این ما

تشکل های مستقل در جنبش کارگری ایران، اعم از سندیکاها و اتحادیه ها و سایر تشکل های کارگری، برای افزایش دستمزد اعلام می داریم که:

میزان دستمزد با اجرای بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار، باید متناسب با یک زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای مدرن و متعارف و بالای خط فقر (۳۵۰۰۰۰۰ تومان) تعیین شود و فارغ از هر وضعیتی که اقتصاد سرمایه داری، خارج از اراده کارگران به آن دچار گشته و در آن دست و پا می زند، محقق گردد. ما کارگران همچنین حق خود می دانیم که در صورت تأمین نشدن چنین خواستی، هر اقدامی را که برای پیش برد این امر خطیر مناسب تشخیص دهیم، در دستور کار گذاشته و برای آن تلاش و مبارزه نمائیم.

جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۹۴

تشکلها به ترتیب حروف الفبا

اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

مافیائی اسلامی و اوضاع ناهنجار کنونی

در دنیای مافیائی اسلامی، هر کس در پی ساختمان دستگاه تامین امنیت جانی و معاش خود است. تمام دستگاه دروغ و فریبکاری و ریاکاری مالاها درهم پاشیده است. اگر رئیس قوه قضائیه قاتلان جنبش دموکراتیک ۲۲ خرداد را رها می کند، اگر تروریستهای رئیس جمهور و خامنه ای و مصباح یزدی و رفسنجانی راست راست راه می روند و مورد پیگرد قانونی قرار نمی گیرند، پس هر کس برای تامین امنیت خویش و ترس از فردائی که بهر صورت فرا می رسد و ترس از بی مهری بالا سری ها، ترس از تجربه سقوط منتظری ها، رفسنجانی ها، موسوی ها، خاتمی ها، کربوبی ها، شریعتمداری ها و... می رود تا سند جمع کند، پرونده سازی کند، اندوخته مالی از راههای نامشروع انباشت نماید، ماموران مسلح و چاقوکشان حزب الله، انصار حزب الله، کفن پوشان، مریدان خود را سازمان دهد و داشته باشد. دزدی و بی قانونی و مریدبازی و لشگرکشی و یارگیری به رکن اساسی اداره جامعه ناامن بدل می شود. دیگر نزاعها، نزاع دارو دسته های قدرت است که همه آنها برای حفظ نظام سرمایه داری، ولی در تحت رهبری گروه بزن بهادر و خونی خویش، فعالیت می کنند. آنها بین هم ازدواج می کنند تا مانند قرون وسطی با دختر دادن و پسر گرفتن اتحاد قبیله ها و امنیت جمعی را تامین کنند. این وضعیت در ایران فقط از حاکمیت آن دسته های مافیائی ساخته است که از "برادران پاسدار قاچاقچی" تشکیل می شود تا کفن پوشان حرفه ای قم و برادران چاقوکش بسیجی.

یکی دارای اسکله های مخفی است تا جنس به ایران وارد کند و در بازار بدون نظارت دولت و پاسخگوئی به مجلس بفروشد و میلیاردر شود و دیگری در پی آن است که چگونه نظام بانکی را تلکه کند و با خیال راحت ساکن کانادا شود. یکی دکل می دزدد یکی هم با قدرت اسلحه می چاپد و دیگری به تجار خودی اعتبار ورود اجناس بنجل را می دهد تا از این بابت کمیسیون بگیرد و راه دزدی را باز کند. تاثیرات فاجعه آمیزش برای جامعه برای این مافیائی ها مهم نیست. رهبران در قدرت، تامین عمر خود را نه در خدمت به مردم و زیستن در ایران، بلکه در فرار به کانادا می بینند و بسیاری از آنها از هم اکنون در آنجا دارای ثروتهای میلیاردی هستند. رفسنجانی نخستین آنها حتما نبوده است. نزاع حاکمیت که بحران درونیش تشدید شده است ناشی از همین نابسامانی مافیائی است. ترس از مردم و ترس از رقبا، قبیله های مافیائی را بجان هم انداخته است. رژیم که امنیت هیچکس را محترم نمی شناسد خود در آشی که پخته است دست و پا می زند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، بدست مردم ایران!

سخنی کوتاه در مورد بحران آب در ایران



منابع آبی زیر زمینی در ایران نیز به علل گوناگون از جمله چاه زدن های بی اندازه و بی رویه در معرض آسیب های جبران ناپذیر است. "چاه هایی که ۴۰ سال پیش حدود ۵۰ متر پائین تر از سطح زمین به آب میرسیدند الان به عمق ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر رسیده است" (نقل از پرویز فتاح وزیر نیروی جمهوری اسلامی ایران) لازم به یاد آوری است به همین دلیل زمین در برخی مناطق در ایران نشست کرده است. نظیر دشت مشهد که ۱۲۰ سانتی متر فرو نشسته است. در عین حال کارشناسان اُفت آب های زیرزمینی در برخی از مناطق ایران را ۶ میلیارد متر مکعب در سال تخمین زده اند. آنها در عین حال معتقدند که اگر همین امروز این برداشت متوقف شود، چند هزار سال طول خواهد کشید تا این اُفت جبران شود. به علت عدم کارایی دولتهای ج.ا. ایران از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب بارندگی تنها ۱۳۰، و به روایتی ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آن مورد بهره برداری بهینه قرار می گیرد، مابقی به هدر می رود. ۹۴ درصد از مجموع آب در ایران صرف امور کشاورزی می شود و تنها ۶ درصد بقیه را خانواده ها و صنایع مصرف می کنند. از ۱۸ میلیون هکتار زمین مزروعی، ۱۰ میلیون هکتار آن دیم است و ۸ میلیون هکتار آبیاری می شود. از این رقم تنها یک میلیون هکتار آن با سیستم آبیاری مدرن کشت می شود. رئیس سابق کمیسیون کشاورزی مجلس معتقد است که: "۳۳ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال سالانه از مرزهای غرب و جنوب کشور خارج می شود." از جانب دیگر به دلیل ساختن سد بر رود هیرمند در افغانستان دیگر آبی از این رودخانه نصیب ایران نمی شود."

اینهاست نشانه پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران. از کشوری که تنها در زمان ریاست جمهوری پیشین اش ۸۰۰ میلیارد دلار پول نفت ناپدید شد، یا ده ها نفر هزاران میلیارد تومان و دلار را اختلاس و دزدی کرده و یا رشوه داده اند و می دهند، غیر از این انتظار نمی رود. باید از رهبر پُرگو و پشت هم انداز این نظام فاسد پرسید: اینگونه می خواهید "کشور را "خودکفا" و اقتصاد آن را "مقاومتی" کنید!؟

دبیر اسبق سازمان نظام مهندسی کشاورزی، خود اذعان دارد که "در سالهای گذشته از در آمد نفت برای توسعه کشاورزی مدرن و مهار آب استفاده نشد... در بخش کشاورزی به تأمین زیر ساختن ها توجه نشده است" (همانجا). وزارت نیرو اعلام داشته است که "۱۲ استان کشور با تنش آبی مواجه است؛ مخازن ۱۶۰ سد بزرگ مخزنی کشور نصف شده است. وضع ۵ استان بوشهر، فارس، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و گلستان از همه استانها وخیم تر است. این در حالی است که در کنار عوامل فوق، دولت با بی برنامهگی و بی عملی خاص ناظر منفعل، ریختن فاضلاب های خانگی، صنعتی، پساب های کشاورزی و انواع زباله به رودخانه ها، دریاچه ها و در نتیجه دریا می باشد. نشت نفت و بنزین، به زیر زمین؛ شیرابه زباله ها، نفوذ باقی مانده کود ها و سموم کشاورزی و نیز نفوذ فاضلابهای خانگی به زیر زمین هر روز آب های کشور را بیشتر آلوده می سازند و دولتها یکی پس از دیگری می آیند و دروغ می گویند و می چاپند و می خورند و می روند.

وضع آب کشور همانند بسیاری از امور دیگر روز بروز به وخامت بیشتر می گراید و مردم را در معرض خطر بی آبی و بیماری و... قرار می دهند.

انقلاب بهمن چه می آموزد؟

در سی و هفت سال پیش در ایران یکی از بزرگترین و پر شکوه ترین انقلابات تاریخ بشریت به وقوع پیوست. در هیچکدام از انقلابات پیشین سابقه نداشته است که ۱۲ میلیون نفر در جنبشهای اعتراضی و سیاسی و درگیری با پلیس و ارتش که ظاهراً فقط برای حفاظت از مرزهای ایران ایجاد شده بود، شرکت کنند. مردم با فداکاری و از جان گذشتگی در این نمایشات عظیم اعتراضی، بدون ترس از کشتار شرکت می کردند. وقتی به روزشمار انقلاب ایران نگاه می کنید می بینید که روزی نیست که رژیم جنایتکار پهلوی به کشتار مردم دست نزده باشد. دارودسته آدمکش سلطنت طلب همین امروز هم تلاش می کنند ثابت کند - پیروزی انقلاب که آنرا "فاجعه" می نامد - به این علت بوده است که شخص شاه نمی خواسته خونریزی شود. این افسانه ها را فقط برای کسانی می توان گفت که شاهد سلطنت پر از چرک و خون سلسله پهلوی نبوده اند. جنبش توده ای و عظیم مردم ایران در شرایطی آغاز شد که ارتش شاهنشاهی ۴۰۰ هزار نفر را برای ژاندارمی منطقه به زیر پرچم برده بود تا از منافع امپریالیستها با ثروت ملت ایران در منطقه بنام ژاندارم خلیج فارس دفاع کند، این رژیم جاسوس و نوکر امپریالیسم حق کاپیتولاسیون یعنی مصونیت قضائی اربابانش را در ایران پذیرفته بود در غیر این صورت ۵۰ هزار ارتشی آمریکائی تحت عنوان "مستشار" که برای جاسوسی و کار برد تسلیحات فروخته شده آمریکائی به ایران آمده بودند، رژیم شاه را تنها می گذاشتند. لازم به تذکر است که مخارج این ارتش آمریکائی ۵۰ هزار نفره که در مرزهای شمال ایران دستگاه جاسوسی علم کرده بودند (این همان دستگاه پیشرفته جاسوسی آمریکا بود که بعد از انقلاب تحت نظر دولت بازرگان با مسئولیت مستقیم امیرانظام به آمریکائیه، بجای مصادره، با سلام و صلوات تحویل داده شد-توفان) به گردن مردم ایران بود. باید از انقلاب بهمن ۵۷ و فداکاری مردم ایران برای آزادی و دموکراسی و استقلال تجلیل به عمل آورد و از شکست آن موخت.

انقلاب بهمن می آموزد که متوقف شدن و شکست انقلاب در نیمه راه با کسب رهبری بورژوازی پیوند داشته و تحت سامانه سرمایه داری برای ممالک از بندرسته ای نظیر ایران امکان تحقق حقوق دموکراتیک شهروندان بویژه کارگران و زحمتکشان، آزادیهای سیاسی، آزادی اجتماعات و سندیکا و احزاب، پیشرفت و تامین دموکراسی و عدالت اجتماعی... تحت رهبری بورژوازی ناممکن است. زیرا در شرایط حاکمیت امپریالیسم هر حرکت استقلال طلبانه و ترقی خواهانه ای به معنی مقابله با منافع آزماندانه امپریالیستهاست و از آنجا که بورژوازی به واسطه ضعف تاریخی خویش و بدلیل صدها پیوند مرئی و نامرئی که با امپریالیسم دارد قادر به مقابله با آن نیست، جبرا با کرنش در مقابل امپریالیسم به انقلاب خیانت می کند. بورژوازی به واسطه ضدیت ماهوی خود با توده های استثمارشونده، آنجا که توده ها با استفاده از فرصت آزادی برای بیان خواستهای سرکوب شده به میدان تظاهرات و نمایشات پای می گذارند، لوله های تفنگ را بسوی آنها نشانه گرفته و بیرحمانه آنها را در خون خود غرقه می سازد. انقلاب بهمن نیز چنین فرجامی داشته است. انقلاب بهمن پس از سه سال کشاکش میان توده های تشنه آزادی و سازندگی و عدالت اجتماعی و ارتجاع سیاه قرون وسطائی به نمایندگی دارودسته خمینی و رفسنجانی، خامنه ای... سرانجام با کودتای خونین ۳۰ خرداد ۶۰ و قتل عام سازمانهای سیاسی و توده مردم شکست خورد و آزادیهای سیاسی که دستاورد انقلاب خونین بهمن بود نابود گردید...، از آن پس بود که سرنگونی رژیم در دستور کار سازمانها و احزاب سیاسی قرار گرفت و این امر همچنان ادامه دارد. فضای انقلابی ایران پس از تیرباران وحشیانه هزاران نفر از فرزندان انقلاب و درهم شکستن تشکلات انقلابی بکلی تیره و تار گردید. یاس و سرخوردگی و عدم اعتماد و بدبینی که ناشی از شکست انقلاب است بر جامعه حاکم گردید. ما این سرخوردگی عظیم، این سقوط اخلاقی و وحشتناک در جامعه را امروز شاهدیم. امروز نه از آزادی در ایران خبری است و نه از عدالت اجتماعی و حقوق مدنی مردم. سرکوب دگراندیشان، کارگران، زنان، دانشجویان و همه اقشار تحت ستم ایران بشدت ادامه دارد. دزدی و چالپوسی و پارتی بازی، فقر اقتصادی و شکاف طبقاتی، گرانی، دزدی و ارتشاء، رشوه، گسترش فحشاء و مافیای اقتصادی در قدرت که تمام تاروپود جامعه را درنور دیده است، جان مردم را به لب رسانده و اکنون بعد از سی و هفت سال انقلاب در ایران جامعه در بن بست عظیمی گرفتار آمده و جمهوری سرمایه داری اسلامی راهی جز سرکوب مردم و کنار آمدن با امپریالیسم برای حل این بحران و بقای خود نمی بیند.

مذاکرات سری آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی از زمان احمدی نژاد، یعنی از اوایل سال ۲۰۱۱ شروع شده و به "نرمش قهرمانانه" و تسلیم زبونانه در قالب برجام ختم شده است. گشودن بازار ایران بسوی سرمایه های امپریالیستی، پیروی از سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و گام گذاردن در خصوصی سازیهای کارخانجات و شرکت ملی نفت و پتروشیمی بر اساس بند ۴۴ که از یک سیاست نئولیبرالی اقتصادی نشئت می گیرد تا بتوانند بار بحرانشان را بدون نظارت مردم به ایران منتقل کنند، همه در جهت وابسته شدن کشور ما است. از این رو برای تحقق مطالبات دموکراتیک انقلاب بهمن، برای آزادی و حقوق اولیه و بنیانی کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم، برای دفاع از ادامه و تضمین استقلال سیاسی ایران، انقلاب دیگری باید سامان گیرد. انقلابی که رسالت پاسخ به این وظایف انجام نشده را داراست یک انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی به رهبری حزب واحد طبقه کارگراست و تنها چنین انقلابی راه نجات مردم ایران است.

مصاحبه فیسبوک توفان انگلیسی با جعفر پاکنیا، مسئول روابط بین المللی حزب کار ایران (توفان) در مورد اوضاع سوریه

پرسش: رفیق عزیز، توازن قوا در سوریه با توجه به حملات هوایی روسیه به پایگاههای داعش و تارمار کردن نیروهای تروریستی تغییر کرده است. رژیم بشار اسد به تعرض دست زده و پیشرویهایی قابل توجه ای داشته است. دولت ترکیه با سراسیمگی و با نقض تمام موازین بین المللی پایگاههای کردهای کوبانی را در سوریه بمباران کرده و تهدید نموده است که با هرگونه خودمختاری خلق کرد سوریه بشدت مبارزه خواهد کرد و آن را بر نمی تابد. شما اوضاع را چگونه می بینید؟

پاسخ:

سیاست ماجراجویانه دولت اردوغان دولتی که در رویای احیای عثمانی بزرگ غرق است و در امور داخلی کشورهای منطقه بیشتر مانده دخالت میکند با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است و این نشانه کوتاه بینی سیاسی رهبران کنونی ترکیه است. دولت ترکیه با گسیل پناهندگان سوری به اروپا در پی آن بوده است که با تحت فشار قرار دادن دولتهای اروپایی، آنها را با سیاست خویش مبنی بر سرنگونی حکومت مشروع و قانونی بشار اسد همراه کرده و چنین وانمود کنند که تنها با سرنگونی اسد و دخالت نیروهای ناتو و حمایت آشکار آنها از داعش، امکان جلوگیری از حضور پناهندگان به اروپا وجود دارد. این دسیسه ضد انسانی رجب طیب اردوغان که به یک عامل تحریک و جنگ و تخریب در منطقه بدل شده است با مخالفت کشورهای اروپایی روبرو شد و کار سیاست کوتاه بینانه رجب طیب اردوغان را به بن بست کشانید. وی از ممالک اروپایی تقاضای باج کرد تا مانعی در جلوی سیل هجوم پناهندگان به اروپا ایجاد کند. باجی که وی می خواست ۳ میلیارد یورو بود.

پیروزیهای ارتش سوریه بر مزدوران داعش با بمباران مواضع آنها از طریق روسیه هر روز با موفقیت بیشتری روبرو می شود. پیشروی ارتش سوریه در تمام مناطق اشغالی مردم را به مقاومت واداشته و نیروهای مزدور داعش فرار را بر قرار ترجیح می دهند و نمی خواهند کشته شده به بهشت بروند. این است که دسته دسته به سرزمینهای مادری خویش باز می گردند. این تروریستهای آموزش دیده توسط دولتهای امپریالیستی تروریست، حال به جان آموزگاران سابق خود افتاده و ترور وحشی خویش را به ممالک مادر تسری داده اند. فرانسه قربانی تروریسم خود شده است و علیرغم این از دخالت در امور منطقه دست بر نمی دارد. از این ترور، سایر ممالک امپریالیستی که تا دیروز زیر بال داعش را برای کشتار ۳۰۰ هزار نفر در منطقه گرفته بودند در امان نخواهند ماند. ترکیه در آینده نزدیک خودش یکی از قربانیان تروریسم خواهد بود.

دولت ترکیه که به سرکوب فاشیستی خلق کرد و بمباران وحشیانه پ ک ک مشغول است در اثر پیروزیهای اخیر رژیم بشار اسد به وحشت مرگ افتاده و در همکاری با عربستان و قطر خواهان پیاده کردن نیروی زمینی "در مبارزه علیه داعش" در خاک سوریه است. چنین دروغی مبنی بر مبارزه علیه داعش را کسی جز اردوغان باور ندارد. حتا باراک اوباما و سردمداران ناتو و اتحادیه اروپا نیز به سیاستهای ماجراجویانه اردوغان به تردید می نگرند و با هزم و احتیاط به آن می نگرند. دولت ترکیه فقط به منظور سرکوب کردهای کوبانی و مبارزه با ارتش سوریه وارد خاک این کشور خواهد شد و این نقض آشکار تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی این کشور است. چنین سیاستی با شکست کامل روبرو خواهد شد.

پرسش: برخی ها بر این نظرند که بمباران داعش توسط روسیه اوضاع را وخیمتر کرده، بسیاری از مردم غیر نظامی کشته شده و هدف روسیه در رقابت با امپریالیسم آمریکا برای حفظ و تحکیم منافعش در سوریه و منطقه است و دخالتش یک اقدام امپریالیستی است و قابل دفاع نمی باشد. شما در این مورد چه می گوئید؟

پاسخ: ما قبل از اینکه به ماهیت دولت روسیه بپردازیم باید روشن کنیم که ماهیت جنگی که در گرفته است چیست و چرا امپریالیستهای غربی به رهبری امپریالیسم آمریکا و مزدورانشان در منطقه نظیر قطر و عربستان و ترکیه خواهان سرنگونی رژیم قانونی بشار اسد هستند. آیا این سیاست در کادر همان دکترین "خاورمیانه بزرگ نیست"؟ آیا ادامه همان سیاست تجاوزکارانه به عراق و افغانستان و لیبی نیست؟ آیا این بدان معنا نیست که این سیاست در راستای منافع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است؟ آیا چین و روسیه خواهان براندازی اسد و تجزیه خاک سوریه هستند؟

باید تاکید کنیم که کشور سوریه دارای استقلال سیاسی است و مختار است از هر کشور و نیرویی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی اش کمک بگیرد و این سیاست در تاریخ مبارزات دول و خلقهای جهان امر تازه ای نیست. در این نزاعی که در گرفته است نوک حمله باید علیه امپریالیستهای غربی و نوکران منطقه ای آنها باشد که خواهان تجزیه کامل سوریه هستند. در اینجا فقط سرنگونی رژیم بشار اسد هدف نیست، بلکه سرکوب نیروی مقاومت لبنان و سپس پیشروی بسوی ایران و کیش دادن تروریستها به پشت مرزهای روسیه است. استراتژی نظم نوین امپریالیسم آمریکا به زیر کشیدن متحدین چین و روسیه و مهار کامل و اعمال هژمونی بر این دور قریب امپریالیستی است. واقعیت این است که امروز امپریالیسم شرق فاقد آمادگی و توان نظامی است که بخواهد با جبهه متحد و نیرومند نظامی ناتو به رهبری آمریکا وارد جنگ شود. آن نیرویی که در شرایط کنونی برتری نظامی دارد و استقلال و تمامیت ارضی ممالک را تهدید و نقض میکند پیمان نظامی ناتو به رهبری امپریالیسم هار آمریکاست. این امپریالیستهای غربی به رهبری آمریکا هستند که مسبب تمام جنگهای تاکنونی، تاراندن میلیونها مردم از سرزمینشان در خاورمیانه و شاخ آفریقا و در یوگسلاوی و اوکراین در دهه اخیر بوده اند.

روسیه و چین پیشنهاد آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد را وتو کردند و بارها مخالفت خود را با بمباران سوریه اعلام داشته اند. و این امر مثبتی است همانطور که مخالفت آلمان و فرانسه در مخالفت با تجاوز نظامی آمریکا به عراق امر مثبتی بود. روشن است این مخالفتها دارای انگیزه خاص اقتصادی و سیاسی است و نمی تواند نباشد. هر حزب سیاسی باید ضمن روشن کردن ماهیت جنگ و نیروهای شرکت کننده، اتخاذ تاکتیک کند. دولت مستقل سوریه نیز می تواند مانند هر کشور مستقلی برای حفظ استقلالش از این گونه تضادها بهره جوید در غیر اینصورت امکان بقاء ندارد. ما می توانیم با ساده کردن یک مسئله پیچیده سیاسی و طرح یک شعار عام سیاسی و اعلام جنگ علیه همه نیروهای درگیر خیال خود را راحت کنیم و درگوشه ای به نظاره حوادث بپردازیم. اما این سیاست صحیح و مسئولانه ای نیست و با مارکسیسم و تاکتیک های لنینی مغایرت دارد. **تاکید حزب ما این است که باید از استقلال کشورها و تمامیت ارضی آنها در مقابل تجاوزات امپریالیستی دفاع کرد و این دفاع، دفاع از حق تعیین سرنوشت خلفها بدست خودشان است** و نه اجانب. نباید فراموش کرد که دلیل مخالفت قطر و عربستان و ترکیه با سوریه مسئله انتقال لوله های گاز است. اسفند سال ۱۳۹۱ سه کشور ایران و عراق و سوریه قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری احداث خط لوله گاز ایران به اروپا را نهایی کردند. بعد از دو هفته درگیری های مسلحانه در سوریه آغاز شد. گروههای مسلح از مرزهای شمالی و جنوبی به سوریه سرارزیر شدند و قطر و ترکیه و عربستان برای سرنگونی اسد خود را به آب و آتش زدند. قطر می خواهد گاز خودش را بفروشد. عربستان و ترکیه می خواهند در مسیر خط لوله قرار گیرند و واسطه ی گاز قطر به اروپا باشند.

پرسش: در رسانه های غربی از کشتار مردم بیگناه سخن می گویند و حملات روسیه را مسبب ادامه کشتار و فراردهها هزار مهاجر تبلیغ می کنند.

پاسخ: رسانه های غربی دروغ می گویند. جنگنده های روسی مواضع و پایگاههای مزدوران داعش را بمباران میکنند و آنها را تار و مار کرده اند. روسها در مذاکرات اخیر، توسط تصاویر فضائی خود ثابت کردند که داعش نفتهای دزدیده شده از عراق و سوریه را با قیمت نازل به دولت ترکیه می فروشد و ترکیه آنها را به سایر خریداران غارتگر با بهای مناسب به فروش می رساند. پیروزی مردم سوریه به رهبری بشار اسد بر ضد داعش و دسیسه های جهانی باب طبع ترکیه و آمریکا و عربستان سعودی و رسانه های غربی نیست. آنها در کار مبارزه با تروریسم اخلال می کنند. اروپا که بلاواسطه مورد تهدید تروریستها قرار گرفته و زخم بردار است خواهان آن شده که جلوی ضرر را از همانجا که منفعت است بگیرد. آنها می بینند که سیاستشان در مورد سرنگونی دولت قانونی بشار اسد با شکست روبرو شده و حتی با توسل به نقض منشور ملل متحد و نقض حقوق ملل قادر نشده اند با یاری رژیمهای فاسد و جنایتکار بین المللی نظیر حکام عربستان سعودی، قطر، کویت، اردن و ترکیه به آرزوهای خویش برسند. آنها خواهان کاهش تنش هستند و کاهش تنش در منطقه را برای منافع خویش و عادی کردن روابط با روسیه مفید ارزیابی می کنند. دولت ترکیه که تا کنون با مزدوران داعش از عرب، ترک، ترکمن، چچنی، داغستانی و اروپائی بر ضد کردهای سوریه می جنگید حالا می بیند که با شکست داعش و گریز بزدلانه آنها از میدان نبرد، نیروهای رزمنده کرد قوی می شوند و آرزوی اردوغان برای اشغال شمال سوریه و تجزیه این کشور را از جمله با اختراع اقلیت ملی ترکمن که می خواهد به ترکیه بپیوندد بر باد می دهند. ترکمنها که تا دیروز همدست داعش بودند و بر ضد کردها و اعراب می جنگیدند و سر می بریدند بیکباره **برادران** رجب طیب اردوغان از کار در می آیند که توسط جنگنده های روس شهید می شوند. اردوغان از این تروریستهای ترکمن به عنوان اپوزیسیون غیر تروریست دفاع می کند و هواپیمای روسی که آنها را بمباران می کرده است با رضایت آمریکا و مخالفت اروپا سرنگون می کند. اردوغان و اوباما نقش موزیانه و دورویانه ای در مبارزه با داعش بازی می کنند. رژیم بشار اسد و روسیه منافعی در شرایط کنونی در بمباران مناطق غیر نظامی ندارند. فراموش نباید کرد که سوریه چندین سال است که مورد تاخت و تاز بیش از ۱۵۰۰۰۰ هزار تروریست از ۸۰ کشور جهان قرار گرفته است و عربستان سعودی و قطر و آمریکا و اروپا هزینه این آدمخواران را تامین کرده اند. این مزدوران در حال دست و پا زدن هستند و رسانه های غربی با تصاویر جعلی در پی ایجاد افکار عمومی علیه دولت بشار اسد هستند که وی و متحدش روسیه افراد غیر نظامی را هدف میگیرند.

پرسش: آینده رژیم بشار اسد چه خواهد شد و تکلیف مردم در اینجا چیست؟

پاسخ: همانطور که بارها تحلیل کردیم هدف آمریکا سرنگونی رژیم بشار اسد در قالب " مداخله بشردوستانه " است. هدف شوم امریالیسم آمریکا و شرکاء این است که سوریه را به چهار منطقه سنی نشین (در دمشق و حومه)، دروز نشین (در بلندیهای جولان)، علوی نشین (در منطقه ساحلی انطاکیه) و کرد نشین (در شمال شرقی سوریه) تقسیم کنند. یک سوریه وابسته، پاره پاره شده و ضعیف به نفع سیاست راهبردی آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی و شرکایشان در منطقه است. سکوت مدعیان دفاع از حقوق بشر در قبال نقض آشکار حقوق ملل توسط امپریالیسم آمریکا، ریاکاری این محافل قلابی حقوق بشری را آشکار می سازد.

روشن است براندازی رژیم بشار اسد برای حفظ استقلال و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی فقط با دست مردم سوریه و پیشاپیش آن به رهبری طبقه کارگر امری انقلابی و مترقی و نفع سوریه و کل مردم منطقه می باشد. در غیر اینصورت، سرنگونی رژیم اسد توسط امپریالیسم نه نفع مردم سوریه است و نه نفع خلفهای منطقه. احزاب و سازمانهای سیاسی که از اشغال عراق و افغانستان و لیبی... هنوز نیاموخته اند و به تکرار همان تئوریهای مبارزه علیه «همه نیروهای ارتجاعی» و «حل همه تضادهای اجتماعی» در آن واحد

میپردازند، نه از سیاست چیزی میفهمند و نه تاکتیک. آنها در رویا های کودکانه ترسکیستی "مبارزه بادی قطب ارتجاعی" خود غرقند و خدمتی که به خلق نمی کنند هیچ بلکه در مبارزه ملی و رهائیبخش علیه امپریالیسم و تجاوزگری اخلاص نیز میکنند. افشای بی امان این جریانات منحرف و منحط سیاسی که بنام "کمونیست و چپ" سخن میگویند و وظیفه همه انقلابیون و نیروهای ترقی خواه است. امپریالیسم آمریکا و متحدینش، عربستان سعودی و ترکیه و قطر.... از صلح در سوریه سخن میگویند اما در عمل بر طبل ادامه جنگ و ویرانی در تمام جبهه ها میکوبند. امروز بخش بزرگی از مردم سوریه برای حفظ امنیت و تمامیت سوریه در پشت رژیم بشار اسد ایستاده اند و از او در مقابل تروریستهای داعشی دفاع میکنند و تمام شواهد از این واقعیت حکایت دارد و جز این نیست.

۱۸ فوریه ۲۰۱۵

گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به چند سؤال

پرسش: آیا با سینه زدن مردم زیر شعار ضد امریکائی جمهوری اسلامی می توان با امپریالیسم مبارزه کرد است؟ اختلاف طبقاتی در همه جوامع وجود دارند. چگونه ممکن است آن را از بین برد؟ آیا می توان جهانی بدون تبعیض و اختلاف طبقاتی ایجاد کرد؟

پاسخ: روشن است مردم نباید فریب شعارهای دروغین جمهوری اسلامی را بخورند. آن دوره گذشت. اکنون غیر از هواداران نزدیک نظام و جیره خوارانش کسی برای این شعارهای بی محتوا تره هم خورد نمی کند. با سرکوب و اعمال دیکتاتوری بر مردم نمی توان به جنگ امپریالیسم رفت. تسلیم زبانه رژیم حاکم در مقابل ۵ بلاوه ۱ بگفته صحیحتر امپریالیسم آمریکا تائیدی بر این نظر است. رژیم جمهوری اسلامی در مقابل تحریم اقتصادی غرب که یک اقدام ضد بشری بود، بیشتر از ۵ سال تاب نیاورد و سراسیمه پرچم سفید را به اهتزاز در آورد. رژیم از مردم بیش از امپریالیسم می ترسد و همه قرائن تائیدی بر همین نظر است. این نشان میدهد که مبارزه علیه امپریالیسم باید با مبارزه برای حقوق دمکراتیک و عدالت اجتماعی پیوند بخورد، در غیر اینصورت ثمری نخواهد داشت. زیرا این مردمان که باید برای استقلال و آزادی کشورشان بجنگند. این مبارزه باید آگاهانه صورت گیرد و نه کورکورانه و شعار گونه. در مورد اینکه اختلاف طبقاتی خواه ناخواه در جوامع آزاد اتفاق خواهد افتاد چون استعدادها و هوش و توانایی ها متفاوت است!! باید گفت اختلاف طبقاتی یک پدیده ذاتی نیست. دو قطب فقر و ثروت در جهان محصول نظام و مناسبات سرمایه داری است. این نظام بیش از ۲۰۰ سال است که جانشین نظام کهنه فئودالی شد و دوران شکوفائی اش گذشته است. به مرحله ای رسیده است که مانع پیشرفت بشریت است. دوجنگ جهانی اول و دوم و بیش از ۸۰ میلیون کشته و صدها میلیارد تخریب و صدها جنگ محلی و کودتا های نظامی در قاره های مختلف جهان نشان از این است که امپریالیسم بعنوان بالاترین مرحله سرمایه داری بدوران گنبدگی رسیده است و مغل پیشرفت و تکامل جامعه بشری است. عراق و لیبی و سوریه و افغانستان و ممالک آفریقایی و آمریکای لاتین نمونه هایی از این دست هستند..... اینها همه محصول سیاستهای امپریالیستی و نظام حاکم بر جهان است. انسانها در یک نظام حقیقتا عادلانه و به اعتقاد ما سوسیالیستی بهترین شرایط رشد و پیشروی را خواهند داشت. استعدادهای در زمینه های مختلف شکوفا میشوند. یک جامعه پویا هم به صنعت و متخصصین و تکنیک و ماشین آلات نیاز دارد و هم علوم اجتماعی و هنری و زیباشناسی و حقوق و علوم انسانی... پیشرفتهای شگفت آوری که پس از انقلاب اکتبر و در طی دوران سی سال ساختمان سوسیالیسم در شوروی روی داد انکار ناپذیرند و خود ممالک غرب بارها بر حقانیت آن صحنه گذارده اند.

روشن است اوضاع کنونی پس از شکست موقتی دژهای سوسیالیستی نظیر شوروی و چین طور دیگری است و این شکستها مورد بهره برداری امپریالیستهای غرب قرار گرفته و سالهاست ریاکارانه این نظریه غلط را تبلیغ میکنند که "شکست سوسیالیسم"، حقانیت سرمایه داری و استثمار و خونریزی و چپاول و غارتگری است!!؟ و سرمایه داری نولیبرال تنها آلترناتیو بشریت است! اما این تبلیغات با توجه به بحرانی که گریبان گیر خود ممالک سرمایه داری شده و موج میلیونی پناهندگان به اروپا، بحران بیکاری در جهان سرمایه داری، جنگ و تروریسم.... و رکود مالی و تضعیف جوامع رفاه و ژرفش اختلافات طبقاتی و گسترش فقر، در ممالک اروپایی و سایر جهان.....، دیگر کار ساز نیست و احزاب کمونیست آرام آرام در آفریقا و آمریکای لاتین و آسیا... سر بلند میکنند و در حال رشد هستند. در روسیه کنونی طبق نظرسنجی های عمومی شخصیهایی نظیر لنین و استالین محبوب ترین شخصیهای تاریخ در بین مردم لقب گرفته اند.... ارقام جعلی میلیونها کشته در شوروی و قاتل خواندن لنین و استالین دیگر کار ساز نیست و کارگران و زحمتکشانشان قدم به قدم آگاه میشوند و به این تبلیغات جعلی توجه ای ندارند. مشکل بیکاری و بی مسکن و فقدان بهداشت و درمان مهمترین مسائل مردم جهان از جمله ممالک ثروتمند غرب است که اینروزها بسیار در مورد آن سخن میروند..

تاریخ جوامع بشری، تاریخ مبارزه طبقاتی است و در اثر این نبرد و تکامل جامعه از کمون اولیه و سپس نظامهای برده داری و فئودالی، به سرمایه داری رسیدیم که اینک درین بست است و سوسیالیسم بعنوان یک ضرورت تاریخی باید جانشین این سیستم پوسیده و ارتجاعی شود. غلبه نظام سرمایه داری بر فئودالیسم بیش از ۵۰۰ سال طول کشید و طول عمر مارکسیسم بیش از ۱۵۰ سال نیست و در طی این مدت پیروزیهای بدست آمده و دستاوردهای سوسیالیسم بویژه در مورد زنان و حقوق کارگران و خلقهای تحت ستم غیر قابل کتمان است..... شکستهای موقتی همیشه بروز کرده همانطور که خود نیروی جوان سرمایه داری ابتدا با شکستهایی در مقابل نیروهای با تجربه اما میرنده فئودالی روبرو شدند. اما سرانجام جامعه سرمایه داری بر نظم کهن فئودالی پیروز شد..... تنها در کادر ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی است که می توانیم به تحلیل تناقضات اجتماعی پیردازیم و آینده تابناک بشری را خوشبینانه مورد بررسی قرار دهیم.

پرسش: آیا روسیه یک کشور سرمایه داری ملی در حال رشد است یا ماهیتش امپریالیستی است؟ آیا چین یک کشور کمونیستی؟

پاسخ: روسیه یک کشور امپریالیستی است. امپریالیسم نوحاسته روسیه کنونی واقعیتی است غیر قابل انکار و این پدیده بدنابل انحطاط سوسیالیسم و احیای سرمایه داری در نخستین کشور سوسیالیستی پدید آمد. این امپریالیسم نه محصول دوره گرجاچف و پوتین بل با کسب قدرت سیاسی توسط خروشچف و شرکاء پس از کنگره ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی زاده شد. در کشوری زاده شد که در گذشته رهبرانی مانند لنین و استالین به پرولتاریای جهان اهدا کرد، در کشوری که اولین انقلاب سوسیالیستی ساختمان جامعه ای را در پیش گرفت، در کشوری که پرولتاریای جهان آن را بحق میهن سوسیالیستی خود می شمرد و در برابر حملات دشمنان سوسیالیسم از آن دفاع میکرد، در کشوری که خلقهای ستمدیده جهان آن را در همه حال یار و یاور خود میدیدند و در مبارزات خود بخاطر آزادی و استقلال آنرا تکیه گاه نیرومند خود میدانستند. امپریالیسم نوحاسته شوروی بیش از سه دهه با نقاب سوسیالیسم خود را پیرو مارکسیسم لنینیسم مینمایاند، برای نفوذ در کشورها یا در میان خلقها شعارهای سوسیالیستی و انقلابی سر میداد، به سخن کوتاه بورژوازی نوحاسته چهره امپریالیستی خود را می پوشاند و آن را از انظار پنهان میداشت. گذشته پرافتخار کشور شوراها و رهبران کبیر آن، همراه با نقاب سوسیالیسم، سرمایه و وسیله نیرومندی بود که به کمک آن پرولتاریا و خلقها را فریب میداد، آنها را در دام خود گرفتار می ساخت در کسوت دوست، گرگی بود در لباس میش، ضد انقلاب رویونیستی و ضد کمونیستی بود در لباس سوسیالیسم. یکی از سفسطه های رویونیستها در رد ماهیت امپریالیستی شوروی این بود که مارکسیست لنینیستهای راستین و حقیقت جو را به اثر داهیان لنین " امپریالیسم بعنوان عالی ترین مرحله سرمایه داری رجوع میدادند. استناد آنها به این اثر ارزشمند برای تلقین این بود و همچنان هست که گویا امپریالیسم فقط از بطن سرمایه داری آزاد بیرون می آید و پایه اقتصادی آن انحصار سرمایه داری است. بدون انحصار سرمایه داری سخنی هم از امپریالیسم نمی تواند به میان آید و سپس از این نتیجه میگرفتند و همچنان میگیرند که امپریالیسم نتیجه تکامل سرمایه داری است و سوسیالیسم، امپریالیسم نمی زاید و "سوسیال امپریالیسم زاده مائونیستهای منحرف است." لیکن لنین در اثر خود این نکته را روشن میکند که چگونه سرمایه داری آزاد ناگزیر در تکامل خود به انحصارها و به امپریالیسم منتهی میشود، چگونه انحصار سپس با دولت بورژوائی درمی آمیزد و دولت بورژوائی را به تبعیت کامل از انحصارها در می آورند. یعنی چگونه سرمایه داری انحصاری دولتی بوجود می آید. از کتاب لنین کبیر هرگز این نتیجه بی نمی آید که امپریالیسم از مبداء سوسیالیسم و از انحطاط آن نمی تواند برخیزد. برعکس لنین همواره خطر بازگشت سوسیالیسم را به سرمایه داری گوشزد کرده و حزب و دولت شوروی را از آن برحذر داشته است. لنین می آموزد که در دوران انتقال سرمایه داری به کمونیسم که دولت آن جز دیکتاتوری پرولتاریا نیست برای دشمنان ناگزیر امید بازگشت باقی می ماند و این امید به تلاش برای بازگشت می انجامد. استالین نیز نه تنها بازگشت سرمایه داری را نفی نمیکند برعکس آن را با قوت بیشتر متذکر میشود:

"آیا در نزد ما، در کشور شورائی ما، شرایط مقدماتی که احیای سرمایه داری را ممکن گرداند وجود دارد/ آری وجود دارد، این امر ممکن است عجیب بنظر آید، معذالک واقعیتی است."

معنی اینها همه آن است که چنانچه راه بازگشت سرمایه داری مسدود نگردد، سوسیالیسم به قهقرا برخواید گشت و به استقرار نظام کهنه خواهد انجامید، و در شوروی نیز چنین رخ داد.

نتیجه اینکه روسیه کنونی دیگر از سوسیالیسم سخن نمی گوید و در سرمایه داری بودن آن اکثر جریانات سیاسی اتفاق نظر دارند. عده ای آنرا امپریالیست نمی دانند زیرا معتقدند از دل سوسیالیسم امپریالیسم زاده نمیشود!!

روسیه کنونی اما در شرایط ضعف و تدافعی بسر می برد و نه تهاجمی. امپریالیستهای غرب به رهبری آمریکا با ایجاد پایگاههای نظام در دور و اطراف روسیه و تحریک نیروهای ارتجاعی خواهان تجزیه و سلطه بر مناطق ثروتمند و یا تحت نفوذ روسیه هستند. از همین رو امروز روسیه با اهداف و انگیزه های خاص خود از موجودیت سوریه حمایت میکند و توتوی آن در شورای امنیت به نفع مردم سوریه است. حملات نظامی علیه داعش و بهم خورد توازن قوا و متلاشی شدن نیروهای داعش و بحران در ترکیه و عربستان بسود مردم

سوریه و منطقه است. دولتهای مستقل باید هوشیارانه برای حفظ منافع ملی و موجودیت و تمامیت ارضی خود از تضادهای امپریالیستها به نفع خود سود جویند. استفاده صحیح از تضادها نباید به مخدوش شدن خطوط و ماهیت سیاسی و اقتصادی یک کشور بیانجامد. فراموش نکنیم که روسیه و چین در سه تحریم اقتصادی اول علیه ایران با آمریکا کنار آمدند زیرا به فکر منافع اقتصادی خودشان بودند. این نشان میدهد که این کشورها دارای چه ماهیتی هستند. قابل ذکر است که در دوره تجاوز نظامی به عراق، امپریالیسم آلمان و فرانسه بشدت مخالف سیاست ماجراجویانه و اشغال عراق بودند و از همین روی به افشای آمریکا دست زدند. زیرا منافعشان در آن کشور در خطر بود. حال امروز با چین و روسیه مواجه ایم که بعنوان امپریالیستهای ضعیفتر در پشت برخی از کشورهای مستقل موضع گرفتند. از این تضادها باید بطور صحیحی سود برد بدون اینکه به قلب ماهیت سیاسی و اقتصادی آنها به پردازیم. ما باید از حق تعیین سرنوشت ملل دفاع کنیم و با دخالت امپریالیستها در امور داخلی آنها مخالفت ورزیم. چین سالهاست قدم در راه سرمایه داری گذاشته است و با روی کار آمدن دارودسته دن سیوپینگ و اجرای رفرمهای اقتصادی، سرمایه داری در این کشور احیا شده و یک کشور امپریالیستی با ویژه گی های خود است. چین هنوز تحت رهبری حزبی است که نامش کمونیست است. اما کمونیستی که سالها دیکتاتوری پرولتاریا را منحل کرده و ماهیت حزب و دولت چین جز دیکتاتوری بورژوازی نیست. چین در ظاهر از سوسیالیسم سخن می گوید اما برنامه و عملش امپریالیستی است از این رو می توان آن را یک کشور سوسیالیست نامید. در حرف سوسیالیسم اما در عمل امپریالیستی.



اسلام هراسی یعنی چه؟

پاسخ: امپریالیستهای غرب و در راسش امپریالیسم آمریکا که هم اکنون در ممالک اسلامی در جنگی جنایتکارانه درگیرند به تبلیغات ضد اسلامی نیاز دارند. آنها از اسلام هیولائی می سازند که گویا تمام زندگی خصوصی و دستاوردهای مردم غرب را تهدید می کند و با ایجاد چنین فضائی از ترس و وحشت، اشغال سرزمینهای دیگران را توجیه می کنند. امپریالیستها دفاع از منافع اقتصادی کنسرنها را با پرده استتار حمایت از حقوق مدنی و دموکراتیک و حقوق بشر می پوشانند تا مردم خویش را برای دادن قربانی در عراق و افغانستان و لیبی و سوریه و مالی.... آماده کرده اشغال سرزمینهای فلسطینی را توجیه نمایند. افکار عمومی فکر می کند که این همه مخارج و قربانی برای حفظ دستاوردهای بشریت و نوع زندگی غربی که آنها برگزیدهاند ضرورت دارد. اسلام هراسی آن روی سکه یهود هراسی در سالهای ۳۰ است که امپریالیسم آلمان به رهبری هیتلر نازی علل بحران اقتصادی و اجتماعی را به گردن یهودیان می انداخت و با این پرچم ضد انسانی و ضد یهودی و ضد قومی مردم را علیه همه دگراندیشان بسیج نمود و فرجامش آغاز جنگ جهانی و ویرانی جهان بود که بر همگان روشن است. اکنون امپریالیستهای غربی در ادامه کمونیسم هراسی به اسلام هراسی توسل جسته اند و در تمامی کشورهای غربی بر طبل هیولای اسلام و مسلمانها که گویا تعدادشان یک میلیارد است و همه از یک جنس اند و متعصب و ضد زن!!! می کوبند و میلیاردها دلار هزینه کرده اند تا با شششوی مغزی مردم علل بحران اقتصادی و ناامنی جهان را ممالک اسلامی و مسلمانها جلوه دهند.... در این مورد باید هوشیار بود و در دام تبلیغات امپرتالیستی نیافتاد.

اگر موضوع برخورد به مذهب است در مبارزه با مذهب نمی توان به زور اسلحه متوسل شد و با قهر و اجبار مردم را وادار کرد از تعلقات مذهبی و اعتقادات دینی خویش دست بردارند. این اعتقادات ریشه چند هزار ساله در میان مردم دارند و زمینههای مادی برچیدن آن که به رشد آگاهی عمومی نیاز دارد هنوز به طور کامل فراهم نشده است. این است که شمشیر کشیدن بر روی مذهب و از جمله مذهب اسلام دواى درد نیست و نظر کسی را نسبت به اسلام تغییر نمی دهد برعکس منجر به آن می شود که مسلمانان و نه تنها مسلمانان حتی اتباع لامذهب این ممالک نیز خود را مورد تعرض و تهاجم حس کنند و در مقابل یورش دشمن مذهب که در حقیقت انگیزه سیاسی را به یدک می کشد جبهه گیری کرده به یورش متقابل دست زنند. ما از شکست بیسمارک در آلمان در مبارزه با مذهب با توسل به زور سخن نمی رانیم چون به گذشته نزدیک تعلق ندارد ولی خوب است به گذشته نزدیک و تجربه چند ده سال اخیر نظری افکنیم.

آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی!

توفان شماره ۱۹۲ اسفند ماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

*توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم. از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

*سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"

*تحریف کنندگان تاریخ، سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

*درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

* تحریف ترتسکیستی رویدادهای تاریخی - نویسنده علی رسولی

*

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!